

نقد و بررسی: سیاست خارجی دوران بازرگان

تنظیم کننده: محمد محسن فایضی^۱

نقدی بر دکتر بازرگان به دنبال اداره سیاست خارجی‌ای بود که به باور خود، عدم تعهد و مدل مصدقی بود؛ اما شاید بتوان یکی از اصلی‌ترین ایرادات به این سیاست خارجی را زمان‌سنجی اجرای آن دانست. دوران مصدق، این فرد به باور خود از سیاست بین‌المللی که رقابت میان دو قدرت نظام بین‌الملل یعنی انگلیس و آمریکا بود، سعی داشت با ایجاد موازنه برای سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای ایران، امتیاز کسب کند و البته در موفقیت مصدق در پیاده‌سازی و نتیجه بخشی این روش هم میان صاحب‌نظران اختلاف نظرهایی موجود است؛ اما در دوران پس از انقلاب در حالی که قدرت‌ها بزرگ نظام بین‌الملل با یکدیگر در حال رقابت بودند، اما به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی و عدم ثبات داخلی، قدرت‌های بزرگ زمان برای بازی با این برگ در رقابت و توازن با یکدیگر همانند زمان مصدق رفتار نخواهند کرد. منظور من این است که پس از رخ داد انقلاب اسلامی، قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل چون آمریکا هنوز به جمع‌بندی مطمئنی حول چگونگی رفتار یا چیستی ماهیت نظام پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران نرسیده بودند، زیرا اگر به این جمع‌بندی می‌رسیدند که نظام جدید ایران، به دنبال تغییر سیستم و رفتار مخرب نظام بین‌الملل دارد، دیگر مدل موازنه مصدقی تنها راهی بر کنترل این نظام خواهد بود نه رقابت میان قدرت‌های نظام. لذا رفتار موازنه یا پیاده‌سازی مدل مصدق در آن برهه از زمان نه تنها این نهضت انقلابی را دچار تردید داخلی می‌نمود بلکه ابتکار عمل را از او سلب می‌کرد.

سیاست دوران بازرگان و لیبرال‌ها را گام به گام هم نامیده‌اند به این معنی که ابتدا استبداد داخلی و سپس استعمار بیرونی را باید حذف و تقابل کرد که شهید بهشتی در جواب می‌گوید: انقلابی‌ها معتقد بودند و هستند که استعمار و استبداد دستشان گردن هم است. مبارزه با استبداد از مبارزه با استعمار جداناپذیر است. شما اگر مبارزه با استعمار را بخواهید به مرحله بعد بگذارید (گام‌به‌گام) و بگویید گام اول مبارزه با استبداد گام دوم مبارزه با استعمار تازه در مبارزه با استبداد هم که گام اول است گام‌به‌گام کار کنیم، این ساده‌اندیشی است. خط امام می‌گوید تا گرمای انقلاب و هیجان انقلاب در مردم است باید تکلیف شاه، تکلیف کل رژیم سلطنت و تکلیف حامیان و پشتیبانان این رژیم را یکسره تعیین کرد.